

جهت ایجاد زمینه لازم برای فراهم کردن خواسته‌های مردم را ندارند، به سوی فردی غیر حزبی روی آورده‌اند تا هزینهٔ اعلام علنی تغییرات لازم احتمالی را به تنهایی به عهده نگیرند.

در ضمن اگر برخورد میرحسین موسوی را با بسیاری از جریان‌های راست افراطی آن دوران و اخراج افراد شاخص جناح راست از دولتش - به ویژه اعضای مؤتلفه - و اتخاذ مواضعی تند و آشکار علیه آنهایی که قصد تحدید اختیاراتش را داشتند - که تمام این موارد با حمایت‌های رهبر فقید انقلاب همراه بود- با فعالیت‌های اخیر طیف وسیع حامیان وی در این دوران و تلاش‌های گسترده برای به صحنه کشاندن وی مقایسه کنیم به این نتیجه خواهیم رسید که اصلاح‌طلبان در تدارک یک حرکت سرنوشت‌ساز به رهبری یکی از چهره‌های سرشناس سال‌های اول انقلاب هستند. زیرا همان‌طور که اقدامات

آبادگران در سیاست داخلی و مسایل اجتماعی موجبات نگرانی مشارکت و سازمان مجاهدین را فراهم کرده، برخورد آنها با صاحبان سرمایه و صنعتگران، کارگزاران سازندگی و بخش‌هایی از جناح راست را حساس کرده است و این همه احتمالاً موجب شکل‌گیری ائتلاف‌هایی تازه حول کاندیداتوری میرحسین موسوی می‌شود. همچنین اقداماتی که ممکن است علیه آنچه موقعیت تثبیت شدهٔ روحانیت تلقی

می‌شود، صورت گیرد مجمع روحانیون را نیز بر آن داشته تا تمام توان خود را برای حضور و موفقیت وی به کار گیرد.

با این حال و به رغم تمامی این تمهیدات در این زمان و با توجه به شرایط جامعه به نظر می‌رسد اگر اصلاح‌طلبان حکومتی در کنار بزرگ‌نمایی حضور میرحسین، به بازسازی تشکیلاتی و تلاش برای نزدیک شدن به خواسته‌های اکثریت آحاد جامعه هم قدم بردارند شاید بهتر بتوانند با حضور فردی مقتدر و چرخش‌های دموکراتیک احزابشان و جلب حمایت‌های طبقات مختلف اجتماعی که هر کدام به دلیلی از اقدامات اخیر بخش پیروز جناح راست و چشم‌انداز پیش روی کشور به واسطه اقدامات آنان نگرانند، چه در مسند قدرت و چه در اپوزیسیون موفق و امیدوار باشند.

سهراب مستوفی

نقشه ۱۰۵

اسرائیل و کردستان عراق

سایمور هرش یکی از خبرنگاران برجسته و صاحب نام آمریکا که چندی پیش نیز در مقاله‌ای فجاجی زندان ابوغریب را افشاء کرد، اخیراً در نوشته‌ای تحت عنوان «طرح B» که در شمارهٔ ۱۳ اوت نشریهٔ نیویورکر منتشر شد، از جایگاه کردستان عراق در برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای دولت اسرائیل سخن گفت.^۱

در این مقاله که در جراید و رسانه‌های منطقه‌ای بازتاب گسترده‌ای یافت، سایمور هرش بر اساس مصاحبه‌هایی چند با تعدادی از مقامات امنیتی و دیپلمات‌های آمریکایی، عرب، ترک و اسرائیلی از ایجاد یک دگرگونی عمده در رویکرد اسرائیل نسبت به تحولات عراق خبر داد.

به نوشته هرش «... از اواخر سال گذشته اسرائیل به این نتیجه رسید که تشکیلات بوش در اعاده ثبات یا ایجاد دموکراسی در عراق توفیق نخواهد یافت و اسرائیل باید به فکر چاره دیگری باشد. [از این رو] دولت آریل شارون تصمیم گرفت که با توسعه مناسبات دیرینه‌اش با کردهای عراق و ایجاد حضوری جدی در منطقه خودمختار کردستان [عراق] صدمات حاصل از جنگ را بر منافع استراتژیک اسرائیل، تقلیل دهد.» وی در ادامه این مطلب خاطر نشان ساخت که «... از نظر تعدادی از مقامات این تصمیم شارون که مستلزم یک سرمایه‌گذاری هنگفت است، یک اقدام بالقوه نسنجیده است که می‌تواند حتی بیش از شورش رو به گسترش جاری در عراق موجب آشوب و خشونت گردد.»^۲

بر اساس این برنامه که «طرح B» نام گرفته است عوامل اطلاعاتی و نظامی اسرائیل ضمن تعلیم یک واحد ویژه کماندویی از میان پیشمرگه‌های کرد، با استفاده از موقعیت خود در کردستان عراق یک رشته شبکه‌های جاسوسی در ایران و سوریه نیز بر پا داشته‌اند.

این نیروی کماندویی که مطابق با استانداردهای نیروی ویژه «میستارویم» اسرائیل تعلیم می‌بیند قرار است که از عهده همان عملیاتی برآید که نیروهای کماندویی آمریکا در اجرای آن ناکام مانده‌اند یعنی رخنه به درون تشکیلات طرف مقابل، گردآوری اطلاعات و سپس از میان برداشتن رهبری شورشیان شیعه و سنی در عراق.^۳

* * *

پیشینه مناسبات اسرائیل و کردهای عراق به گونه‌ای که در مقاله‌ای به قلم کامران قراداغی در یکی از شماره‌های اخیر روزنامه دیلی استار لبنان نیز خاطر نشان شده است به اواسط سال‌های دهه ۱۹۶۰ و تصمیم استراتژیک لوی اشکول نخست وزیر وقت اسرائیل برمی‌گردد مبنی بر استقرار روابط با گروه‌های قومی غیرعرب در جهان عرب.



بر این اساس دیوید کیمچه یکی از مقامات ارشد موساد با ملا مصطفی بارزانی ملاقات کرد و بدین ترتیب مناسبات و روابطی پایه‌گذاری شد که در خلال شورش بارزانی‌ها بر علیه دولت بعث در سال‌های نخست دهه ۱۹۷۰ - شورشی که تحت حمایت ایران قرار داشت - به نقطه اوج خود رسید.^۴

اگر چه تأمین بخشی از نیازهای تسلیحاتی، نقش مهمی در علل شکل‌گیری این مناسبات ایفا کرد و از این رهگذر کردها بخشی از سلاح‌های مورد نیاز خود را فراهم کردند ولی به نظر می‌آید که بارزانی‌ها بیش از هر چیز دیگر خواهان آن بودند که توسط اسرائیل با دولت آمریکا مربوط شوند.^۵

* * *

اگر چه چنین به نظر می‌آید که به رغم گذشت حدود سی سال از این تجربه نیازهای پیش‌گفته کردها - حمایت تسلیحاتی در منطقه و حمایت سیاسی در واشنگتن - به قوت خود باقی است و اسرائیل نیز می‌تواند برای رفع هر دو اقدام کند، ولی کردها با ناکید بر دو نکته در مقام تکذیب این خبر برآمدند.

نکته نخست درس تاریخ بود؛ محمود عثمان یکی از مشاوران سیاسی ملامصطفی بارزانی که خود شخصاً در جریان مناسبات کردها و اسرائیلی‌ها قرار داشت، در گفت‌وگو با قراداغی بر بی‌حاصل بودن این تجربه تأکید داشت، به عقیده او «... کردها از [تجربه] سال‌های دو دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ بهره‌ای نبردند و اینک نیز بهره‌ای نخواهند برد؛ زیرا

[استقرار] چنین روابطی با عث آن خواهد شد که ایران، اعراب و بسیاری از دیگر کشورهای جهان اسلام، به دشمنانی نیرومند بدل گردند».^۶ نکته دومی که محمود عثمان بر آن تأکید داشت نقش یکی دیگر از این «کشورهای جهان اسلام» در طرح مجدد این بحث بود؛ یعنی موضع دولت ترکیه که به رغم همکاری گسترده با اسرائیل، اینک مانند پاره‌ای از کشورهای مخالف اسرائیل در منطقه - ولی بنا به دلایلی کاملاً متفاوت از آنها - از استقرار و توسعه چنین روابطی نگران است.

محمود عثمان معتقد است که بخش مهمی از داده‌ها و اطلاعات مقاله سایمور هرش بر اساس منابع ترک استوار بوده است و از نظر او دولت آنکارا قصد دارد با این گونه اقدامات «... باعث دوری کردها از ایران، سوریه و اعراب به طور کلی گشته و بدین ترتیب کردها را کاملاً وابسته ترکیه گرداند».

به گونه‌ای که در بخش‌هایی از مقاله سایمور هرش نیز می‌توان ملاحظه کرد ترکیه از توسعه مناسبات اسرائیل و کردهای عراق و تأثیر این امر بر امکان کسب استقلال کردهای آن سامان کاملاً نگران است و این نگرانی با چنان جدیتی مطرح شده که شاید اسرائیلی‌ها را در برابر این پرسش قرار دهد که در صورت استمرار این سیاست جدید در نهایت مجبور خواهند بود که بین ترک‌ها و کردها یکی را انتخاب کنند.^۷

مواضع اخیر دولت ترکیه در ابراز نگرانی از حملات موشکی اسرائیل بر نوار غزه و یا اقدام آنکارا در احضار سفیر خود از اسرائیل برای رایزنی در باب چگونگی ایجاد یک تحرک جدید در روند صلح خاورمیانه نیز - در مقاله هرش - به عنوان نشانه‌هایی دال بر تغییر مواضع آنکارا تعبیر شده است.^۸

ک.ب.

یادداشت‌ها

1 . Seymour M. Hersh. "Plan B" *New Yorker*,

June 28, 2004

2 . Ibid.

3 . Ibid.

4 . Kamran Karadaghi, "Iraq's Kurds are not Collaborating with Israel", *The Daily Star* [Lebanon], August 4, 2004

5 . Ibid.

6 . Ibid.

7 . Hersh, Op. cit.

8 . Ibid.

شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

شماره ۱۰۷